

«رابطه بین ساختار زیربنای فکری اجتماعی و ساختار گفتمان در گزیده سر مقاله‌های روزنامه‌های ایران» (دکتر لطف الله یار محمدی)،

تحلیل گفتمان انتقادی در جهت تحقق نیاز به کند و کاو و فهم نقش دیدگاه اجتماعی در شکل دادن به گفتمان بکار گرفته شده است. یعنی اینکه محققان در این رشته بر آنند که توجه دیگر محققان اجتماعی در رشته‌های مشابه را به این واقعیت جلب کنند که گفتمان منبع غنی و وسیله‌ای کارآمد در تصویرسازی کارگزاران اجتماعی و شکل دادن به رفتار آنان است. تحقیق حاضر یکی از اولین کوششهایی است که بر آن است تا الگویی عملی در تحلیل گفتمانی بخش مهمی از روزنامه‌های ایران ارائه دهد، گو اینکه این الگو، در مرحله ابتدایی است و باید با استفاده از دیگر مؤلفه‌های جامعه‌شناسی و معنایی آنرا اصلاح و پس از اعمال به داده‌های متفاوت آنرا تکمیل کرد.

به دلیل آنکه ساختارهای گفتمانمدار و ساختارهای دیدگاههای فکری اجتماعی در تعامل تنگاتنگ هستند و رابطه دیالکتیک دارند، باید تشخیص دهیم ساختارهای گفتمانمدار چه چیزهایی را در گفتمان پنهان می‌کنند و چه چیز را آشکار و با چه ساز و کاری اینرا انجام می‌دهند و ما چگونه می‌توانیم از این ساز و کارها در راه اصلاح و خیر خود و جامعه بهره بگیریم. در این تحقیق تا حدی به ساز و کار تعامل دیدگاههای فکری اجتماعی و مؤلفه‌های گفتمانمدار پرداخته شده. متأسفانه با تجزیه و تحلیل اولیه مشخص شد که:

روزنامه‌های ما بخصوص روزنامه‌های قدیمی‌تر به شیوه‌های سنتی انگیزش احساسات عمل می‌کنند و هنوز از ساز و کار روزنامه‌نگاری حرفه‌ای خیلی فاصله دارند. برخی از روزنامه‌های جدیدتر توانسته‌اند راهکارهای علمی بهتری را در سامان دادن سر مقاله‌های خود بکار گیرند هر چند که ممکن است به صرافت طبع (نه با داشتن اطلاعات تخصصی) صورت گرفته باشد و این پختگی بیشتر در برخی از سر مقاله‌های مربوط به انتخابات ریاست جمهوری دیده می‌شود. این تحقیق نشان می‌دهد که روزنامه‌نگاران و نویسندگان سیاسی و اجتماعی باید بر ساز و کارهای گفتمانمدار زبان خود آگاهی یابند تا بتوانند در جهت خیر و صلاح عمومی و تأثیر گذاری بر تفکر عامه گام بردارند.

بسیاری از تعبیرات و اصطلاحات خاص (نام دهی) گفتمانمدار بر افراد عادی و عامی نیز مشهود است و بکارگیری آن شاید از دیگر ساز و کارها نیز آسانتر باشد. در بسیاری از سر مقاله‌ها به وجه ناشیانه‌ای از این تعبیرات استفاده شده است و به منزلت و جایگاه روزنامه‌خدا وارد ساخته است.

بطور خلاصه در این تحقیق مشخص شد که دیدگاههای فکری اجتماعی گروهها توسط مؤلفه‌های خاص که چهار مورد (مؤلفه‌های زبانشناختی) آن در این تحقیق به کار گرفته شد در لایه لای متون بافته و عرضه می‌شود و اغلب نهفته و رمزگونه است. راههای مطلوب تبیین این دیدگاهها کشف و بکارگیری مؤلفه‌های گفتمانمدار مناسب در تحلیل است.

هدف تحلیل گفتمانی انتقادی تنها نباید آشکار ساختن نهفته‌ها در لایه‌های زیرین گفتمان و آگاهی دادن به عموم باشد. از آنجا که تحلیل گفتمانی انتقادی یکی از ابزارهای مهم انعکاس دهنده روابط نهادها و عوامل اجتماعی و سیاسی، تناسب و مبارزات قدرت بین گروههای اجتماعی و سیاسی است یکی از اهداف مهم تحلیل باید این باشد که ساختارهای گفتمانمدار جهت دار و متمایل به ایجاد سلطه را با ساختارهایی بدیل که در جهت تثبیت قسط و عدالت اجتماعی باشد جایگزین نماید که این کاری است بس سترگ. شاید بتوان این امر را یکی از وظایف مهم فرهنگستانها قلمداد نمود، تا همان طور که در وضع لغات و اصطلاحات مناسب می

کوشند در صدد ساماندهی گفتمانهای مناسب نیز بر آیند و نتیجه کار را بخصوص به دست اندرکاران وزارت آموزش و پرورش و آموزش عالی بدهند تا در تهیه متون درسی و اتخاذ شیوه های مناسب تدریس از این نتایج استفاده کنند.